

«هو الحکیم»

عنوان:

استدراك روايات رابطه حرام زادگی با دشمنی اهل بیت عليهم السلام.



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسَنِ الَّذِي اَصَابَ الزَّمَانَ



『@SERATEHAGHI』

در کتاب احتجاج، نقل شده که «پیغمبر اکرم فرمود به علی بن ابی طالب، تو را دوست ندارد مگر کسی که پاك باشد ولادت او، و با تو دشمنی ندارد مگر کسی که ناپاك باشد ولادتش، و با تو دوستی نمی کند مگر مؤمن، و دشمنی نمی کند مگر کافر». ببینید دوستی و دشمنی در بعضی موارد يك چیز شاید غیر اختیاری باشه! این مسأله هست؛ حالا این رو توضیح می دم کم کم روشن بشه. ببینید مثلاً شما نگاه می کنید خیلی زیاد هم هست، توی خیابون رد می شید يك جوانی چشمش به يك خانمی می افته، از همون اولی که می افته عاشقش می شه! اصلاً می شناسه؟! نگاهش می کنه عاشقش می شه! دست خودش نیست ها! این دوستش داره! دیگه ول نمی کنه می گه چی شد اصلاً تو این رو شناختی؟ مادرش کی بود؟! باباش کی بود؟! این بابا کی بود؟! می گه نه اصلاً دست خودم نیست! واقعاً هم يك نگاه که می کنه دست خودش نیست دلش می ره! بعضی وقت ها يك چیزهایی اختیاری هست، یعنی دوست داشتن همیشه این طوری نیست، بعضی وقت ها اختیاری هست.

گاهی از من سؤال می‌کنن زن و شوهرها گاهی وقت‌ها رجوع می‌کنن، می‌گه آقا جان من زخم رو دوست ندارم! یا اون می‌گه که مثلاً این مرد رو دوستش ندارم! می‌گم خب شما می‌تونید يك کارهایی رو انجام بدی، افعالی رو با اراده و اختیار خودت انجام بدی که ایجاد محبت بکنه. حالا مثل اون اولی نیست ها! غیراختیاری نیست، ولی يك سری کارهایی رو می‌تونن دو نفر در قبال همدیگه انجام بدن که ایجاد محبت بکنه، کم‌به‌کم دوستش داشته باشی، مأنوس بشی باهاش. حالا این جهتی که در مورد حضرات معصومین هست، بله! چه بسا اولین بار که يك نطفه‌ای ناپاک آقا امیرالمؤمنین رو می‌بینه حسی نداره، اما می‌تونه اختیارش رو داره، اراده‌اش رو داره، که کم‌کم وقتی عقلاً فهمید ایشان حق هست، حالا کم‌به‌کم، با افعال، با تولی، تبری، اظهار عملی دوستی نسبت به حق، کم‌به‌کم وقتی حق رو فهمید کم‌کم دوستش داشته باشه! لذا چرا می‌گن تولی و تبری خیلی مهمه؟ تولی و تبری يك کارهایی عملی هست که می‌تونه اون محبت و اون کینه و بغض رو بیشتر بکنه.

مثلاً می‌گن کار عملی انجام بدیم؛ مثلاً می‌گن تبری، بیزاری از دشمنان ائمه‌ی معصومین، لعن‌شون بکنیم؛ اللهم لعن مثلاً فلان و فلان، لعن‌ش بکنیم. این کم‌کم کارهای عملی که انجام می‌دی، اون کینه و نفرت و دشمنی‌ای که از دشمنان خدا و از رسول و اهل بیت داری رو در تو بیشتر می‌کنه. اظهار محبت؛ مثلاً چی اظهار محبت؟ شما يك نفر رو دوست داری، می‌خوای بیشتر بشه، بهش بگو دوستت دارم! دوستت دارم، دوستت دارم، يك کاری انجام بده براش! این کم‌کم محبت رو بیشتر می‌کنه، در مورد حضرات معصومین مثلاً، شما وقتی عرض ارادت به حضرات معصومین بیشتر بکنی، این باعث می‌شه محبت شما بیشتر بشه! تولى یعنی کار عملی‌ای که انجام می‌دی در قبال اون محبت، که نسبت به دوستان خدا داری، این رو بیشتر می‌کنه. حالا فرض بکنید يك زن و مرد از هم خوش‌شون نیامد، می‌تونن با ایثار، فداکاری، محبت با همدیگه، ولو این که به زور باشه! مثلاً می‌گه من دوستت دارم، اون هم می‌گه منم دوستت دارم! کم‌کم، کم‌کم، کم‌کم، با اختیار خودش محبت میاد!

می‌خوام بگم در ارتباط با يك نفری که بله عرضه می‌کردن به يك نفری که نطفه‌ی خراب داشته، ولی اگر چنانچه اون فرد، حق رو بیابه بخواد بجنگه، می‌تونه اون هم دوست ائمه‌ی معصومین باشه. اما به صورت طبیعی وقتی که نگاه می‌کنی دافعه داره، اما می‌تونه در مقابل اون با اختیار خودش بایسته و دوست حضرات معصومین باشه! این گیری نداره! چون بعضی‌ها از من خیلی سؤال کردن، گفتن آقا ما ارتباط نامشروع داشتیم، این بچه هم بوده متوجه هم نبودیم، این بچه رو چی کارش بکنیم؟ خب کشتن حرامه که! می‌گن از اون‌ور این به دنیا میاد حروم‌زاده می‌شه دشمن اهل بیت! گیر می‌کنن این‌جا! این‌جا چه کار باید بکنیم؟ این‌گونه نیست که حتماً باید دشمن اهل بیت باشه! باید روی اون بچه بیشتر کار بکنید! رو اون بچه بیشتر وقت بذارید، حق رو بیشتر بهش بگید، کم‌به‌کم، کم‌به‌کم می‌تونه ارادتمند به حضرات معصومین هم بشه؛ اما به صورت ابتدایی بخواد بشه فراریه! شروره! یعنی طبعش به سمت شر بیشتر هست!

پس این هم می‌شه گفت با قید جریان عادی بله، «تو را دوست ندارد مگر کسی که پاك باشد ولادتش و با تو دشمنی ندارد مگر این که ناپاك باشد»؛ اما اگر همون که ناپاك باشه بخوادش، می‌تونه حضرات معصومین هم دوست داشته باشه؛ يك چیز اختیاری هست.

«در این هنگام، ابن‌عباس حرکت نموده، عرض کرد یا رسول‌الله! خبث ولادت و کفر اشخاص را در زمان حیات شما به دشمنی کردن با علی شناختیم، اما ناپاکی ولادت و کفر اشخاص بعد از شما را به چه بشناسیم ما؟ وقتی شخصی ظاهراً ادعای اسلام نماید ولی باطن خویش را مخفی بدارد!» فرض کنید امیرالمؤمنین نباشه، حالا بعد علی به چی بشناسیم؟ «فرمود ای ابن‌عباس! علی بن ابی‌طالب پیشوا و امام و جانشین من است بر شما بعد از من؛ پس از درگذشت او حسن».

حالا به چی؟ به جانشینان ایشان! این محبت رو به جانشینان ایشان. گاهی وقت‌ها می‌بینی که يك نفر از امام زمان يك طوریه! بدش میاد اسم امام زمان بیره! کشش نداره! «و بعد از او حسین، دو فرزندم امام و خلیفه بر شما هستند. سپس نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری جانشینان من هستند بر شما. نهی ایشان، قائم آنهاست که قیام در میان امت من خواهد کرد، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، با این که از ظلم و جور پر شده باشد؛ ایشان را دوست ندارد مگر آن کس که ولادت پاکی دارد...» نگاه کنید در مورد حضرت مهدی هم همچین تعبیری به کار برده! «ایشان را دوست ندارد مگر آن کس ولادت پاکی دارد و با آن دشمنی نمی‌ورزد مگر کسی که ولادتی ناپاک دارد؛ دوستدار آنان نیست مگر مؤمن، دشمن ایشان نخواهد بود مگر کافر. کسی که یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده...» این خیلی مهمه! می‌گه آقا خب این‌ها مسلمونن، مثلاً چه گیری داره که يك نفر بگه فرض بکنید که بعد امام زین‌العابدین بگه این‌ها رو ما قبول نداریم، یا بعد حضرت صادق علیه‌السلام بگه دیگه ما قبول نداریم!

می‌گه انکار یکی برابر با انکار کلّ ماست! این خودش خیلی مهمه!
 «و کسی که مرا انکار کند خدای عزوجل را انکار نموده، و هر
 کس جحد نماید...» جحد معمولاً در لغت یعنی انکار حق با
 علم! می‌دونه ها! می‌دونه! یعنی می‌دونه حق هست، ولی انکار
 می‌کنه! «هرکس جحد نماید نسبت به یکی از ایشان، نسبت به
 من جحد نموده، و کسی که مرا جحد کند نسبت به پروردگار
 جحد کرده است، زیرا اطاعت ایشان اطاعت من، و اطاعت من
 فرمانبرداری خداست و معصیت ایشان معصیت من، و نافرمانی
 من سرکشی با خداست». این ببینید برعکس گفته؛ در اون آیه‌ای
 که هست می‌گه: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ
 مِنْكُمْ﴾ دیگه! اطاعت خدا اطاعت کنید رسول را و اُولی الْأَمْرِ
 مِنْكُمْ. این‌جا اومده برعکس گفته که درست هم هست. می‌گه
 حالا گفته اطاعت خدا کن اطاعت رسول کنید و اولی الامر
 کن. حالا اگر کسی تخلف بکنه از اطاعت اولی الامر، تخلف
 کرده از من! کسی که تخلف از من بکنه تخلف از خدا کرده!
 کسی که اطاعت اون‌ها رو بکنه اطاعت من رسول رو کرده،
 کسی که اطاعت رسول رو بکنه اطاعت خدا رو کرده!

«ای ابن مسعود! بپرهیز از این که در نفس خود حرجی بیابی، یعنی تحمل نتوانی کرد، از آنچه من حکم کنم پس کافر خواهی شد! قسم به عزت پروردگار من، من بی‌جا نمی‌گویم و درباره‌ی علی و ائمه از اولاد علی علیهم‌السلام از روی هوا سخن نمی‌سرایم. پس از آن، بزرگوار دست‌ها را به آسمان بلند نمود و عرض کرد: آفریدگارا! دوست بدار کسی که دوست خلفای من باشد و دشمن کسی باش که دشمن آنان باشد، آن که را یاری ایشان کند یاری فرما و آن که را مخذول کند (مخذول یعنی خوار) آن که را مخذول کند آنان را، یعنی کسی که خوار کند ائمه‌ی معصومین را مخذول و بیچاره کن. خالی مگذار زمین را از یکی از آنان، چه ظاهراً و آشکارا، و چه خایف و پنهان باشند تا این که دین و حجج و بیّنات تو باطل نشوند. پس از آن فرمود ای ابن عباس! من در این‌جا بیان کردم برای شما چیزی را که اگر دست از آن بردارید هلاک و نابود خواهید شد، و اگر دست به دامن لطف آنان بزنید، رستگار شوید. درود بر آنان که متابعت نمایند رستگاری را.»